

داستان عشق عزت الدوله و امير کبير

۲۹ مهر ۱۳۹۳ ساعت ۱۱:۳۰

مهد عليا مادر ناصرالدين شاه در مورد ازدواج خواهر شاه با امير کبير نامه ای می نویسد تا با زبان بسته گله خود را بیان کند :
(قربانت شوم ، ملک زاده کنیزی است از شما ، اختیار او با من نیست ، با قبله عالم است ، همانطور که شما مصلحت دیده اید من حرفی ندارم ، صلاح من آنست کان تراست . صلاح البته بهتر و لایق تر از جماب امير نظام کسی نیست . ان شالله در زیر سایه پادشاه مبارک است)) البته این ازدواج آنچنان هم به میل امير کبير نبوده چرا که او به فرمان شاه دختر عمویش را طلاق داده بود و خواهر ۱۵ ساله شاه را گرفته بود . دختر کسی که مادرش یکی از خطرناک ترین زنان دربار ایران است .



ملک تاج و خام خواهر ناصرالدین شاه همسر دوم امیر کبیر

در خاطرات تاج السلطنه دختر ناصرالدین شاه درباره عمه اش عزت الدوله همسر امیر کبیر آمده است :

«زنی است بسیار ساکت و آرام که بیشتر سکوت می کند و کمتر سخن می گوید» عده ای می گفتند کم سخنی این زن نه به خاطر هم نشینی با مرد خردمند سیاست ایران بلکه به خاطر ازدواجی است که او با زور با فرزند یک آشپزباشی کرده است .

مهد علیا مادر ناصرالدین شاه در مورد ازدواج خواهر شاه با امیر کبیر نامه ای می نویسد تا با زبان بسته گله خود را بیان کند :

«قربانت شوم ، ملک زاده کنیزی است از شما ، اختیار او با من نیست ، با قبله عالم است ، همانطور که شما مصلحت دیده اید من حرفی ندارم ، صلاح من آنست کان تراست . صلاح البته بهتر و لایق تر از جماب امیر نظام کسی نیست . ان شالله در زیر سایه پادشاه مبارک است» البته این ازدواج آنچنان هم به میل امیر کبیر نبوده چرا که او به فرمان شاه دختر عمویش را طلاق داده بود و خواهر ۱۵ ساله شاه را گرفته بود . دختر کسی که مادرش یکی از خطرناک ترین زنان دربار ایران است . مهدعلیا که ۴۵ روزی برای خودش سلطان ایران بود تا پسر ۱۶ ساله اش از تبریز به تهران برسد نمی توانست محبت پسرش به امیر کبیر را ببیند .

ناصرالدین شاه نوشت : «چون صدارت عظمی و وزارت کبری زحمت زیادی دارد و تحمل این مشقت بر شما دشوار است ، شما را از آن کار معاف کردیم ...»

عزت الدوله که حالا عاشق شوهرش شده است با امیر به کاشان می رود . تاریخ نویسان نوشته اند هر خوراکی را پیش از آنکه امیر بخورد می چشید تا امله و اگره سمی داخل آن نریخته باشند این عشق اما نتواست مانع حسادت عجوزه تاریخ ایران شود . ناصرالدین شاه شبانه نامه ای نوشت و هنوز سرش گرم باده سحرگاه بود که این نامه به دست اعتماد سلطنه رسید : « چاکر آستان ملایک پاسبان فدوی خاص دولت ابر مدت ، حاجی علی خان پیشخدمت خاصه ، فراش باشی دربار سپهر اقتدار ، ماموریت دارد به فین کاشان رفته ، میرزا تقی خان امیر کبیر را راحت نماید و در انجام ماموریت بین الاقران مفتخر و به مراسم خسروانی مستظهر باشد» .

در شهر شایع شده بود که امیر کبیر در اوایل دی ماه حکم بخشش شاهانه اش همراه با خلعت پادشاهی به در خانه خواهد آمد ، عزت الدوله به پای امیر افتاده بود که در حیاط خانه آب را گرم می کند تا امیر در خانه استحمام کند ، امیر می گوید « نترسید امیر کبیر فقط دو ساعت بیرون خواهد ماند » .

امیر کبیر را در همان کاشان دفن می کنند اما بعدها عزت الدوله قبر را می شکافد و جنازه شوهر را به کربلا می فرستد . تلخی این قصه اینجاست که عزت الدوله هنوز با پیراهن سیاه به تهران نرسیده بود که فرمان حکومتی او را به عقد پسر میرزا آقا خان نوری در آورد زنی که بعد از مرگ ۳ همسر دیگرش ناصرالدین شاه نتوانست او را به عقد کس دیگری در بیاورد ...و اینگونه دختران امیر کبیر ایران با کینه مهدعلیا بزرگ شدند آنقدر که وقتی یکی از آنان عروس مظفرالدین شاه شد ، پس از به دنیا آمدن محمد علی شده اعلام کرد که دیگران نمی خواهد موجب زاد و ولد در خاندان قجری شود و از همسرش شاه آینده ایران طلاق گرفت و مادرش عزت الدوله پیوست که در جایی امن بیتوته کرده بود و دائم به نوادگانش می گفت : «یک موی گندیده این بچه آشپز می ارزید به همه هیکل این بچه اعیان ها» .

آدرس مطلب :

<https://www.cafetariikh.com/news/۱۹۳۲۶/داستان-عزت-عشق-دولت-کبیر-امیر-الدوله-عزت-عشق-داستان-۱۹۳۲۶>